

اقتصاد سياسي ۲۸ مرداد؛

مهر داد سيد عسگري

در سال ۱۳۳۱ ، اميد بریتانیا برای سرنگونی و سقوط دولت مصدق و بر روی کار آمدن دولتی که مخالف چندی با منافع استعمار نداشته باشد به یاس تبدیل شده است، مساله ایران هر روز بغرنج تر می شود اوضاع بدانجائی میرسد که در اواخر پائیز ۱۳۳۱ مقامات امنیتی و اطلاعاتی بریتانیا با مقامات بخش خاور نزدیک و آفریقای سازمان سیا در واشنگتن نشستی برگزار کردند ، منظور از این گفت و گو ارایه راه حلی برای سرنگونی دولت مصدق بود و این نخستین بار بود که بریتانیا به علت ضعف مفرطش و از دست دادن منافع اقتصادی در ایران دولت قدرتمندی همچون آمریکا را به عنوان شریکی در لقمه چرب ایران می پذیرفت .

امریکا رسماً در فروردین ۱۳۳۲ قبول کرد که در این عملیات شرکت کند و سیا بودجه یی به مبلغ یک میلیون دلار به این امر اختصاص داد.

- امروز ۲۸ مرداد است اهالی تهران که سه روز پر التهاب و توام با شعار و تظاهرات و وحشت گذرانده بودند سکوت موضعی صبح چهارشنبه را با تعجب می نگرینتند ! در ساعات آغازین و گرم صبح شهر در يك حالت اعتصاب اعلام نشده بسر می برد و مغازه داران

درهاي آهني خود را تا نصفه پايين كشيده بودند . دكتر مصدق طي پيامي از هواداران و احزاب ملي خواسته بود كه به خانه ها برگردند و مراکز سياسي خود را تعطيل كنند . وضعيت خيابانها اضطراب را افزايش مي داد از سمت چهار راه پهلوي و سپه صداي همهمه و فرياد به گوش ميرسيد . چند كاميون پر از تظاهر كننده از خيابان پهلوي بالا مي آمدند . خوش خيالي حاضران در خيابان از شروع و ادامه يك انقلاب مردمی زیاد طول نکشید . شعارهایی که این تظاهر کنندگان می دادند آن چیزی نبود که انتظارش را می کشیدند آدم های سورا بر کامیون قیافه های ناآشنایی داشتند . عده ای لباس درجه داری ارتش به تن داشتند اشخاصی هم که لباس شخصی به تن داشتند به گردن کلفت ها و باج گیران شبیه بودند آنان پرچم ایران قمره و عکس های شاه را در دست داشتند و با حالتی تهدید کننده قمره ها را در هوا تکان می دادند و فریاد می زدند جاوید شاه مرگ بر مصدق و... آنهایی که بطور پراکنده در خيابان نادري قدم ميزدند و با تعجب و حيرت اين عمليات شاه پرستانه را نگاه مي کردند .

- ساعت ۳ عصر در میدان توپخانه همین عملیات در جریان بود .
اوباش به سرکردگی شعبان جعفری این میدان را به واسطه نزدیکی آن به زورخانه در قرق خودش داشتند.

- شعبان خان ! در حالی که آهن سر کج خود را در دست داشت مبارز می طلبید. همو بود که در ساعاتی بعد مردم بیگناه را به واسطه جاوید شاه نگفتن از بالای ساختمانهای بلند سر و ته نگه می داشت تا با زور چماق حقیقت را در یابند و آهن سر کج خود را در شکم مبارزان راه آزادی فرو می کرد.

- در سمت غربی میدان توپخانه یکی از این اوباش دستمال یزیدی خون آلودی را دور سر خود می چرخاند و مخالفان را تهدید به قتل می کرد. این اوباش همراه با زنان شناخته شده شهر سربازان و و درجه داران با لباس نظامی و غیر نظامی از جنوب شهر به سوی مرکز و شمال روان گشتند و مراکز مهم همچون رادیو و مقر نخست وزیری در خیابان کاخ را تصرف کردند مراکز احزاب ملی و خانه آزادی خواهان مورد تعرض قرار گرفت و در غروب آنروز لوازم منزل پیشوای آزادی به حراج گذاشته شد.

- پس از شکست هیئت استوکس دکتر مصدق طی نطقی تحت عنوان پیام برای مردم ایران به ارایه آمارهایی پرداخت که سهم ایران را از درآمد های نفتی نشان می داد در این گزارش درآمد پرداختی به ایران تنها ۱۱/۹ درصد از کل درآمد خالص شرکت بود و این میزان کمتر از ۱۹/۵ درصد مالیاتی بود. که شرکت به دولت انگلیس که خود سهامدار

اصلي شرکت بود پرداخت مي کرد و به علاوه اين مبلغ کمتر از ۱۲/۸ درصد پرداختي به سهامداران شرکت بود که در بين آنها بزرگترين سهامدار دولت بریتانیا بود و ۵۵/۸ درصد از کل درآمد شرکت براي سرمايه گذاري و غيره کنار گذاشته شده بود و يا به صورت سود تقسيم نشده باقي مانده بود و سهم ايران به صورت سود تقسيم نشده باقي مانده بود و سهم ايران به صورت سود ناخالص شرکت و حتي پس از پرداخت ماليات به دولت انگليس ۱۴/۶ درصد بود در حالي که حتي بر اساس امتياز ۱۲۸۲ (۱۹۰۳ ميلادي) سهم ايران مي بايد ۱۶ درصد از سود خالص شرکت باشد حال بر اساس موافقتنامه ۱۲۸۲ که مدت امتياز را براي ۳۳ ديگر تمدید کرده بود از يك شرکت انگليسي تحت کنترل دولت انگليس که به اين دولت ماليات مي پرداخت و سرماينه گذاري خود را از فروش نفت ايران تامين مي کرد و به سهامداران هموطن خود سود سهام مي پرداخت . ايرانيان تنها ۱۲/۹ درصد درآمد حاصل از فروش نفت خود را دريافت مي کردند . به عبارت ديگر منابع متعلق به ايران بود سرمايه گذاري و ساير هزينه ها (بجز هزينه هاي اوليه) از فروش منابع ايران تامين مي شد . و با وجود اين ۸۸ درصد درآمد به انگليسي ها پرداخت مي شد و در اين شرايط بود که ملت ايران مورد تحريم قرار گرفت و وضعيت بد اقتصادي کشور بدتر شد .

- در چنین وضعیتی معمولاً هر دولتی در مدت زمان کوتاه سقوط می کند اما واقع گرایی و کارایی نسبی دولت در مقابله با این وضعیت و میزان آمادگی مردم برای تحمل سختی برای دستیابی به اهداف بالاتر عالی بود. کوشش برای صادرات غیر نفتی به خصوص در مورد فرش بسیار موفق بود. دولت برای افزایش صادرات اقلامی مانند گوسفند زنده و تنباکو کوشید. دولت ایران حتی توانست در حساب مبادلات غیر نفتی مازاد تجاری بدست آورد که این مازاد در سالهای پایانی نیز قابل توجه بود. این حرکت بدان معنا بود که ایرانیان می بایست کمتر از گذشته محصولات تولید خودشان را مصرف می کردند اما از آنجا که دولت مردمی بود، و مردم با دولت همکاری می کردند این امر میسر شد، برای مثال در اوایل سال ۱۳۳۱ دولت با توزیع مقدار زیادی ماهی تازه شمال که تولید آن در همان اواخر به واسطه عدم تمدید قرارداد روسها در اختیار ایران قرار گرفته بود از خطر افزایش قیمت گوشت گوسفند به طور موثر جلوگیری کرد. و تمامی این مسائل نشان می دهد حتی با وجود کمبودهای اقتصادی و مالی فراوان اگر به قدرت ملت به عنوان بالاترین اراده ایمان داشت می توان کارهای بسیاری را انجام داد. دولت مصدق در سال ۱۳۴۲ تصمیم گرفت عرضه پول را برای توسعه فعالیتهای اقتصادی داخلی افزایش دهد. اما برای جلوگیری از

تبعات آن این تصمیم مخفی نگاه داشته شد. این تصمیم مبني بر چاپ
محرمانه پول از دیدگاه اقتصاد دانان در سالهاي بعد درست شمرده شد.

و این نکته نیز فراموش نشود که این مرد بزرگ در اوج فشارهای

اقتصادی به پیشنهادهای بانک جهانی نه گفت و بر استقرای از ملت

به جای بیگانگان یافشاری کرد. با سقوط دولت دکتر مصدق و روی

کار آمدن دولت سرلشگر فضل الله زاهدی که به دولت شاه زاهدی

مشهور گردید و بروز بحرانهای اقتصادی بر اثر فشارهای اقتصادی

ناشی از قطع جریان نفت دولت ایران درصدد برآمد زمینه های لازم و

مناسب را برای استقرار روابط مجدد با بریتانیا فراهم آورده و برای حل

معضل نفت راه چاره ای بیانیدشد. زاهدی در پنج شهریور ۱۳۴۲ به

تشریح اوضاع وخیم اقتصادی ایران پرداخت و اعلام داشت که دولت

مصدق علاوه برآنکه بیش از دویست میلیون دلار برای ایران قرض به

جا گذاشته مبلغ پنجاه میلیون دلار از ذخایر پشتوانه اسکناس را نیز

مصرف نموده است. و تنها راه نجات اقتصاد ورشکسته ایران در تولید

نفت و عایدات آن باید جست. دولتهای امریکا و انگلستان نیز هم که از

بابت جریانات اقتصادی ایران و بابت وضع بحرانی اقتصاد شدیداً

نگران بودند در پی یافتن راه حل مناسبی بودند. از نخستین گامها می

توان از پرداخت بودجه باقی مانده سیا جهت کودتا به شاه نام برد که

صرف تقسیم جوایز میان هواداران وی شد و پس از آن امریکا دست به توزیع مایحتاج عمومی با نشان پرچم دو کشور در محلات فقیر نشین شهر کرد که بسیار موثر بود. پیش از آغاز صدور نفت و ورود عواید آن به داخل کشور تزریق مالی آمریکا هم به دلیل افزودن بر قدرت مالی دولت و هم به دلیل بالا بردن درآمدها و تقاضاها که مستقیماً به نفع افسران ارتش دیوان سالاران و کارشناسان تمام می شد و به صورت غیر مستقیم به مالکان و تاجران فایده می رساند نقش حساسی در آرام ساختن مردم داشت بی شک عده معدودی می توانستند از قبل کمک های مالی امریکا پولدار شوند اما در عوض در نتیجه همین کمکها سطح زندگی تعداد بیشتری از شهر نشینان هر چند به طور نابرابر دست به سطوح پیش از سال ۱۳۴۱ بازگشت به علاوه کمکهای موجود موجب افزایش اطمینان اقتصادی و ایجاد انگیزه ها و انتظارات مساعد میشد. این عمل باعث قدرمندتر شدن محافظه کاران سلطنت طلب که قدرت اقتصادی آنها در دولت مصدق همواره مورد تعرض قرار نگرفته بود گردید همچنین در طی دو سال ظرفیت دانشگاه تهران و معدودی موسسات عالی کوچکتر که بخشهایی از آنها برای سالهای دراز بلااستفاده مانده بود به بالاترین حد رسید و آمار کمی دانشجویان بالا رفت. حال وقت آن رسیده بود که شاه قدرت را در دست بگیرد و

خود را از شر زاهدي خلاص کند . در سال ۱۳۳۴ زاهدي برکنار و براي معالجه يك بيماري واهي به سوئيس فرستاده شد وي در پاي پلکان هواپیما به چند تن از دوستانش گفت **بالاخره حق با مصدق بدبخت بوده**

هست .

- قرارداد کنسرسيوم در سال ۱۳۳۴ به امضا رسید. این قرارداد ناقض روح ملي شدن صنعت نفت بود هر چند ظاهر آن را حفظ مي کرد کنسرسيومي مرکب از تعدادي شرکت هاي بریتانیایی و هلندي روي هم تشکیل شد که تولید و عرضه نفت ایران را براي بيست و پنج سال درمقابل پرداخت ۵۰ درصد از خالص دردیافتي ها به دولت ایران به عهده گرفت . بدون شك این از هر لحاظ بدتر از شرايطي بود که مصدق قادر به کسب آن بود . چنانچه خليل ملكي با همکاري کاظم حسيني در نقدي جامع و مفصل این مطلب را نشان داد و محمد اميني نماینده ایران در مذاکرات نفت در پاسخ خود با گفتن اینکه قرارداد به هیچ وجه ایده آل نبوده ولي با توجه به شرايط ویژه کشور چاره اي جز پذیرفتن آن نبوده است، واقعيتي شگرف را عريان ساخت . با این همه بدون مصدق و يارانش حتي به دست آوردن همین هم ممکن نبود . نظر به وضع شرکت نفت انگلیس و ایران پیش از ملي شدن صنعت نفت ، موافقت

شرکت مزبور با تقلیل فاحش مدت قرارداد و افزایش سهم ایران به ۵۰ درصد باور نکردنی بود. اینکه علاوه بر این عقب نشینی شرکت مجبور شد در نتیجه حماقت های خود ۶۰ درصد از نفت ایران را به دیگران واگذار کرد و این حرکت اگر برای امپراطور پیر درس عبرتی می شد از حمله به ملت قهرمان مصر جهت بازپس گیری کانال سوئز خود داری می کرد. البته این آقایان نحوه بهره کشی از ایران را تغییر دادند و ایران که در آن سالها فراورده های نفتی صادر می کرد با این سیاست که به توضیح آن می پردازیم تبدیل به تولید کننده نفت خام می گردد. طی مدت هجده سال از ابتدای اجرای قرارداد کنسرسیوم تا ابتدای قرارداد سال ۱۳۵۲ بسرعت تولید نفت خام را افزایش می یابد.

- و از ۱۲ میلیون بشکه در سال ۱۳۳۴ به ترتیب به ۹۸، ۴۳۹ و ۷۷۸ میلیون بشکه در سالهای ۱۳۳۵ و ۱۳۴۰ و ۱۳۴۵ رسید و در سال ۱۳۵۰ به ۱/۶ میلیارد بشکه بالغ گردید و روی هم رفته در این مدت ۱۸ سال حدود ۳/۱۳ میلیارد بشکه نفت استخراج گردید که در ۱۴ سال حدود ۷/۱ میلیارد بشکه نفت خام بوده است. افزایش استخراج و صدور نفت خام آنچنان شدت می یابد که آنچه را که شرکت نفت انگلیس کرده بود کنسرسیوم تنها در حدود یک سال و چند ماه استخراج کرد و این

يکي از دلایل اصلي دشمني با حکومت ملي مصدق و به راه انداختن

کودتاي انگلیسي - آمريکايي ۲۸ مرداد بود.